

بعد از مرگم فقط سگم برایم خواهد گریست

۲۰ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۸:۲۵

امروز من آینده را پشت سر گذاشته‌ام، بیماری وجودم را تحلیل می‌برد و مثل پدرم در غربت خواهم مُرد. ولی یک تفاوت وجود دارد که من توانستم ۶ سال بعد از مرگ او جنازه‌اش را به وطن برگردانم، ولی گمان نمی‌کنم دیگر جنازه‌ی من هم به ایران برگردد.

جوان و تاریخ: روزهای پایانی عمر محمدرضا پهلوی، برای او خیلی سخت گذشت. شاید هیچگاه فکر نمی‌کرد سرنوشتش بدتر از آن چیزی باشد که برای پدرش؛ رضاشاه اتفاق افتاد و در دوران تبعید و خارج از کشور از مُرد. اما خون جوانان بی‌گناهی که دژخیمان پهلوی بر خاک ایران ریخت گریبان شاه را گرفت و در تنهایی مُرد.

یکی از روزهای آخر عمر شاه در قاهره بود. خبرنگار بی‌بی‌سی از او پرسید: «تجربه‌ی تبعید چگونه است؟»

گفت: «امروز من آینده را پشت سر گذاشته‌ام، بیماری وجودم را تحلیل می‌برد و مثل پدرم در غربت خواهم مُرد. ولی یک تفاوت وجود دارد که من توانستم ۶ سال بعد از مرگ او جنازه‌اش را به وطن برگردانم، ولی گمان نمی‌کنم دیگر جنازه‌ی من هم به ایران برگردد.»

خبرنگار پرسید: «آیا احساس پشیمانی دارید؟»

شاه جواب داد: «شاید در تقسیم املاک بین محرومان تعلل کردم. شاید نباید این طور با روحانیت درمی‌افتادم و شاید نمی‌بایست مسیر غربی ترقی را چنین می‌پیمودم. باید تجارت مشروبات الکلی را قدغن می‌کردم. بعضی کاباره‌ها و سینماها را تعطیل می‌کردم و با مواد مخدر مبارزه می‌کردم. حالا بعد از مرگم تنها سگ خانوادگی‌مان برایم خواهد گریست و دیگر هیچ!»

منبع: مشرق، کتاب «حاشیه‌های مهم‌تر از متن»، ص ۲۴۹ / به نقل از «ده دوران»، خاطرات میرازخانی، ص ۴۳۶

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۰۷۶/بعد-مرگم-فقط-سگم-برایم-خواهد-گریست>